

و سید

در پوشہ

عبدالحسن احمدی ریسپونسی

دہ مام

«نوحه» کلمه عربی و به معنی گروه و زاری به اولاد بلند است. در شکل عام و رایج آن «دینی» شهری که در مراسم سوگواری تازه درگذشتگان یا برای اعیان شهید و در عزیت آنان خوانده می‌شود. ۱۴

نوحه خوان از کلمه عربی نوحه به اضافه خوان (نوحه خوان) در فارسی ترکیب یافته است. شاید ترکیب فارسی نوحه خوان از نوحه زبینه نام گذاری به جای نوحه خوانی باشد زیرا نوحه خوان تا هنوز آن را در سخن گویند و نوحه خوانی در گذشته نوحه خوانی بوده که اکنون به بسیاری از شهرهای ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

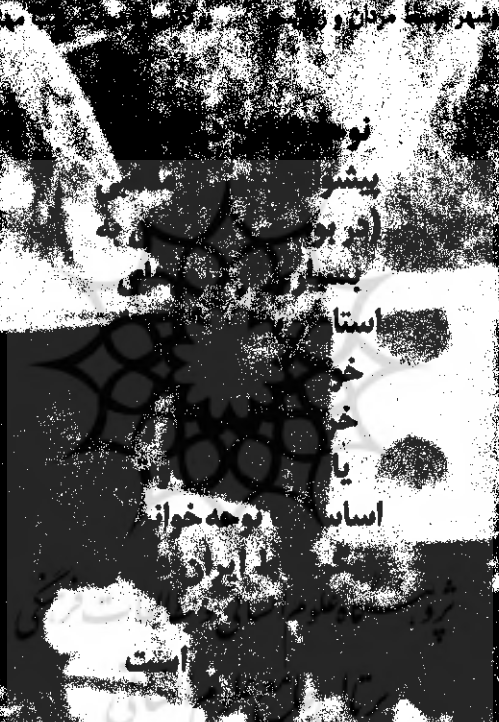
نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.



نوحه خوانی
پیشوا
(در بوسه زنی)
بسیار زیاده زنی
استان
خوب
خوب
یا
اساساً نوحه خوان
ایران
است

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

نوحه خوانی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه مثل آبادان، اهواز، بندرعباس، تبریز، مشهد، شیراز، تهران، نوحه خوانی در مراسم سوگواری و عزیت انجام می‌دهند.

کار آئین سرچشمه گرفته و جنبه عوامانه دارد در صورتی که تمامی اشعار سینه‌زن و نوحه‌خوان درباره واقعه کربلا و شهادت پیشوایان دینی است.

۶- مدت زمان (طول کار) ساروج کوبی بستگی به تل نبرورده سلروج دارد و مخفی است از سر شب تا نیمه آن به طول انجامد اما در سینه‌زنی، که یک تا یک ساعت و نیم فراتر نمی‌رود. ۷- ساروج کوب، کار را برای زدن حال انجام می‌دهد و به مزد مادی آن نمی‌اندیشد و حال آن که سینه‌زن آن را برای ثواب آخرت خود لازم دانسته و اجر معنوی، او را بدان کار می‌کشاند. ۸- کار سینه‌زن، حالت تقریباً سنتی مذهبی دارد و همه کسان حتی خردسالان بدون هیچ مانعی می‌توانند در آن شرکت جویند ولی عمل ساروج کوبی از عهدۀ همه بر نمی‌آید و به نیروی بازو و مردان کارآزموده نیاز دارد.

۹- هر چه صدای نوحه‌خوان خوشتر و گیراتر باشد افراد بیشتری به سوی خود جلب می‌کند لیکن ساروج کوب هیچ‌گاه به خاطر صدای سرخوان به کار کشانده نمی‌شود.

۱۰- تظاهر و خودنمایی در ساروج کوبی معنی ندارد و حال آن که در سینه‌زنی (در بعضی از کسان) کاملاً مشهود می‌گردد.

سینه‌زنی در گذشته و حال

در گذشته (پیش از انقلاب مردم ایران) بر هر سینه‌زن واجب بود که پیراهن خود را از تن بیرون بیاورد تا صدای سینه بیشتر و بهتر به گوش رسد ولی اکنون معمول نیست.

همچنین، افراد دولتی (روسا و معاونین) در سینه حضور نمی‌یافتند حال آن که پاره‌ای از همین کسان، هم‌اکنون خود را مقید به شرکت و خودنمایی در آن دانسته و سینه‌گردان نیز به هنگام تشکیل هر بُر جدید، وی را آن‌طور که خود او انتظار آن دارد، در «بُر» جدید جای می‌دهد.

سینه‌زنی مردان

سینه ابتدا با یک بُر (صف دایره‌گون) کوچک و از افرادی در سنین مختلف تشکیل می‌شود اما بیشتر شرکت‌کنندگان در این بُر، کودکان و نوجوانان هستند. یک نفر به عنوان پیش‌خوان تا آمدن نوحه‌خوان اصلی، سینه را هدایت می‌کند. نواهای پیش‌خوان حول این چند نوحه می‌چرخد:

به حسن گریه کنم یا به حسین یا به رضا...

حسن به زهر کشته شد

حسین به شمشیر جفا...

مظلوم حسین واحسینا...

آه از دل زهرا چقدر حوصله دارد...

آه اوایلا عزا و ماتم شد...

معمولاً یک نفر به عنوان سینه‌گردان (بُرساز) بُرهای سینه را تنظیم می‌کند. تا زمانی که پیش‌خوان اجازه‌کننده سینه است، هیچ شور و هیجانی به سینه‌زن به دست نمی‌دهد و تماشاگران نیز همین حالت را دارند.

بعد از آن که تماد بُرها به دو یا سه و یا یک بُر بزرگ رسیده، نوحه‌خوان اصلی وارد صحنه می‌شود و در کانون جایزه سینه به

حالت ایستاده جای می‌گیرد. حال، چشم همه تماشاگران متوجه او و گوش و هوش تمام سینه‌زنان به آهنگ اوست. نوحه‌خوان، آهنگهای (نوحه‌های) متعدد و متنوعی را پی می‌گیرد تا به مرحله پایانی سینه که واحد است برسد.

سینه‌زنی، چند مرحله دارد و می‌توان آن را به سه مرحله زیر تقسیم کرد: آغازین، میانی، پایانی.

سینه در مرحله آغازین آن توسط پیش‌خوان اداره می‌شود و انسجام چندان ندارد.

در مرحله دوم (میانی) که همان حالت مرحله نخست اما انسجام یافته آن دارد، سینه‌زن، هم دست بر سینه می‌کوبد و هم با آهنگ هم‌نواخته پاسخ نوحه‌خوان را می‌دهد.

در مرحله سوم (واحد)، سینه‌زن فقط متوجه ضربات دستهای خود بوده و در این مرحله است که طول زمانی کوبیدن دستها بر سینه، دوبرابر فاصله زمانی آن در دفعه قبل می‌شود. یک مرحله تقریباً ربع‌ساعتی دیگر اجرا می‌شود به نام هیامولی - ولی ما آن را جدا از مراحل پیشین دانسته‌ایم زیرا نوحه‌خوان اصلی در آن شرکت ندارد. معمولاً بعد از شکسته شدن سینه (خاتمه مراسم) تعدادی از شرکت‌کنندگان (بیشتر نوجوانان) به گروه‌های کوچک (دو گروه) تقسیم شده و متتهای ذیل را تکرار می‌کنند:

شب عاشورا است امشب

کربلا غوغاست امشب (۵)

خون جگر لیل است امشب ...

یا:

عباس علمدار حسین

آمد سر قبر حسین

یا:

ای بی برادر زینب

اسیر کافر زینب

نقش نوحه‌خوان را در هدایت سینه نباید نادیده گرفت و اوست که باید احساسات سینه‌زن و هم جماعت بی‌ننده را برانگیزاند. به نوبه خود، کمی، یا زیادی افراد سینه‌زن و تماشاگر در روحیه نوحه‌خوان تأثیر فراوان گذارده و به او حالت دیگر می‌بخشد. گاه فزونی برهای سینه نوحه‌خوان را از مرحله پایانی (واحد) به مرحله میانی می‌کشاند انسان که بعد از رسیدن به بندهای آخر واحد باز، نوحه دیگر می‌خواند و آن را به گونه‌ای پی می‌گیرد که سینه‌زن، هم بتواند بخواند هم بر سینه زند و هم ضربات وارده بر سینه را با حرکت پا و آهنگ صدای خود تجانس بخشد.

مثلاً:

نوحه‌خوان: ای شیمه بر سر زن ماه ماتم از نو بپاشد حسین - شهیدم به دشت کربلا شد

سینه‌زن، همان را تکرار کرده و گوید: ای شیمه بر سر زن... نوحه‌خوان: زینب از کربلا ز کوفه تا شام، روان شد چرا چه ظلمی به آل مصطفی شد

در میان کسانی که تا پیش از انقلاب مردم ایران (در سال ۱۳۵۷ خورشیدی) به نوحه‌خوانی پرداخته‌اند پنج نفر از همه معروف‌تر بوده و به ترتیب تقدّم زمانی عبارتند از: سیدمحمد اعمی، امامزاده‌ای، ناخدا عباس دریانورد، سیدعلی مهینیان، محمد شریفیان و جهانبخش کردی‌زاده (معروف به بخشو). اینان، هم‌اکنون روی در نقاب خاک دارند و بجز مرحوم بخشو

که صدایش هنوز در گوش مردم بوشهر طنین انداز است هر چهار نفر دیگر، هم مجری آهنگ نوحه بوده و هم اشعار نوحه را خود می‌سروده‌اند. البته نام اشخاص دیگری که در آن زمان نوحه‌خوان محله خود یا بعضی محلات دیگر بوده‌اند مثل: علیباش خرمایی، احمد زبردست، علی دشتی، باقر آزادی، جعفر دریایی و ابراهیم نباتخور سنگی را نباید از نظر دور داشت.

همچنین در سالهای اخیر عده‌ای دیگر از جمله مصطفی گراشی به جمع نوحه‌خوانان پیوسته و آهنگهایی از خود ارائه داده‌اند. چون مقطع زمانی خاصی که برای نوحه‌خوانان در نظر گرفته‌ایم تا تاریخ به‌خاکسپاری ۹۰ جهانبخش کردی‌زاده (بخشو) است به همین سبب از آوردن نام همه آن عزیزان خودداری می‌نماییم.

ذکر این نکته دیگر درباره نوحه‌خوانان قدیمی ضروری است: اشعار انتخابی آنان یا از کتابهای مرثی و روضه‌خوانی گرفته شده و یا خود نوحه‌گر (یا دیگران) آن را به گونه‌ای که بازگوکننده واقعه کربلا و تعزیت ائمه باشد سروده‌اند.

آهنگ بعضی از نوحه‌ها، هم تأثیرپذیری از محیط کار و شرایط زیست محیطی مردم دارد و هم پاره‌ای دیگر به تقلید از نوحه‌هایی است که توسط روضه‌خوانان محلی، در ضمن روضه هر ساله تکرار می‌شده است.

اما، این که چه کسی برای نخست‌بار (در بوشهر) اقدام به خواندن نوحه کرده، بر ما روشن نیست. نزد سالاران ناحیه مرکزی شهر، هرگاه صحبت از بهترین نوحه‌خوان شود از شخصی به نام ناخدا عباس یاد می‌کنند.

هرچند نمی‌توان ناخدا عباس (ناخدا) را نخستین نوحه‌خوان بوشهری شمرد؛ اما ابتکاری که او در نوحه‌سرایی و ساختن آهنگهای تازه از خود نشان داده است نمی‌توان نادیده گرفت. وی قریحه‌ای سرشار در این کار داشت و ضمن آن که آهنگهای تازه از روی اشعار خود می‌ساخت، غزل یا شعری از حافظ یا دیگران را تضمین کرده و آهنگی بر آن می‌نهاد. نوحه زیر که تضمین از غزل حافظ شیرازی است، بیانگر ذوق ادبی اوست:

لیالب گشته از خونابه غم ساغر دلها،

الا یا ایها الساقی ادرکاسا و ناولها

به گرداب بالای کربلا زینب ز غم می گفت

کجا دانند حال ما سبکیاران ساحلها

ز بیخ سنبل مشکین گیسوی علی اکبر

ز تاب جمد مشکینش چه خون افتاده در دلها

میان خاک و خون ای جان خواهر خفته‌ای تا کی

چرس فریاد می‌دارد که بر بندید محملها

ز خون رنگین محاسن کرده‌ای از حنجر اصغر

که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزلها

عروس بی‌نوا با صد نوا می‌گفت با قاسم

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

دمادم شهربانو سر به زانو می‌زد و می‌گفت

متی ما تلق من تهوی دع الدنيا و اهلها

غم‌قتل حسین ای دل بود هر روزه در دافزون

نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفلها

بنال ای ناخدا اندر عزای زاده زهرا

که تا روز قیامت سوخت باید جمله دلها

جای آن دارد که برای نمونه چند مورد از نوحه‌های زیانزد

سینه‌زنان را در این جا بیاوریم.

ای اکبر لیلی

تاج سر لیلی

مادر ز فراق

خون شد دل لیلی

بنشین به بر من

ای همسفر من

از هجر خود نما

خونین جگر من

خجله‌ات نبستم

در عزات نبستم

تا روز قیامت

خون به دل من هستم

واحد بحر طویل

دید لیلایا به در خیمه چو منشی علی اکبر که شده غرقه بخون
از ستم قوم ستمگر بگرفتش به پر و لب بنهاد بر لب سردش، به
فغان گفته که‌ای تازه جوانم.

ز چه این‌گونه فتادی به برم، تاج سرم، نور دو چشمان ترم،
اکبر نیکو سپرم، جان به فدای قد و بالای تو ای ثانی حیدر شبیه
ختم رسولان، نام تو ورد زبانم.

همه شب تا به سحر بر سر مهد تو نخفتم و بسی رنج کشیدم.
به امیدی که به سرحد کمالت برسانم شب دامادی‌ات اندر نظر
من بخرامی علی سرو روانم.

همه ابتاه بنی‌هاشمی از پیر و جوان شاد شوند در شب دامادی‌ات
ای روح روانم.

بودم امید که اندر شب دامادی تو وعده بگیرم زنان ماه منظر
- در شب سور تو مسرور شود عمه و خواهر پدرت سیط پیمبر /
آه و افسوس که شد خاک عزا بر سر لیلایا - سرو قد تو افتاده
به برم غرقه به خون زلف سمن‌سای - به روی مادر پیرت بگشاه،
بهر خدا یار دگر دیده شهلا - که ز داغ تو به تن نیست دگر تاب و
توانم بی تو ای همسفرم چون بروم سوی وطن. من بنشینم دسته
دسته رفیقان تو اندر وطن هر لحظه بینم.

گر بپرسند ز من از حال تو ای ماه جبینم چه بگویم و چسان
جای ترا بینم و من زنده بمانم.

گویم اکبر به صف کربلا شاد شده. حجله‌گهش خانه گور
است. غرقه بخون فرقی همایون علی. من به فغانم

واحد ایام محرم

شیمه‌زن به سر ز ره وفا، به عزای نوگل مصطفی / که بریده
شمر لعین زکین سر آن جناب و هم از قفا
چو شنیده خواهر مضطرش، که بریده شمر لعین سرش /
بدریده جامه صبر و زد به سر آن صبیبه مرتضی
به فغان و ناله ز حد قزون بشد از خیم حرم برون / به میان
خاک و میان خون چو بدیده آن شه مه لقا
چو بدیده جسم برادرش، که نبود به تن سر انورش / بشنید
از ره خنجرش که بخواند سوره هل اتی
بگرفته پیکر پاره‌اش به بگل نموده نظاره‌اش / که بدی قزون
ز ستاره‌اش همه زخمهای پر از جفا

بنمود رو به برادری و خطاب با تن بی سری / که کدام قوم
 استمگری به جهان نموده چنین جفا
 به مقام جد مطهرت به جلال باب غضنفرت / تو به حق
 حرمت مادرت بده پلسخ ای شه لافتی
 تو برادرا بگو از وفا، سخنی به زینب بینوا / تو به نوجوانی
 قاسم و تو به قلب پاره مجتبی
 تو به فرق گیسوی اکبرت به گلوی پاره اصفرت / تو به
 دستهای برادرت سخنی بگو ز ره وفا
 سر تو به روی ستان کین، تن تو فتاده بر زمین / هم اسیر
 فرقه دون و بین حرم مطهر مصطفی
 بلغ الملی بکماله، کشف النجی بجماله / حسنت جمیع خصاله
 بذلت جمیع جمالها
 بنگر تو پور علیل خود و حرمسرای جلیل خود / همه دختران
 ذلیل خود به میان لشکر بی حیا
 بنگر چسان شهدای خود به زمین و دشت بلای خود / همه
 اوقاتده بجای خود ز جفای فرقه اشقیبا
 تو شهادت به بزم عزا نگر، تو به محفل و این سرا نگر / همه
 شیمه با وفا نگر، نظری به مجمع بی ریا
 چه حزین نوای تو «ناخدا» چه قیامتی است و در این عزا /
 چه عزا عزای شهنشهیی که نموده وعده خود وفا
 بحث درباره نوحه خوانی را با ذکر این نکته دیگر می توان به
 پایان آورد:

ابتکارات تازه ای که بعدها از نوحه خوانان و آهنگسازانی
 همچون: ناخدا عباس دریانورد و غلامرضا اصلاح پذیر و سید کاظم
 موسوی و سید محمد محزون و محمد شریفیان در کار نوحه سرایی
 صورت گرفته کم کم بر شمار نوحه ها افزوده شد و تنوع چشمگیری
 در آن پدید آمد.
 افزون بر آن، پینا شدن صندوق آواز (گرامافون) و پس از آن
 عرضه رادیو به بازار و شنیدن تصنیف و ترانه های رادیویی از صدای
 آوازه خوانان ایرانی (از رادیو تهران)، راهی هموار در پیش پای
 نوحه سرایان نهاد و آنان را به پاد انتخاب آهنگ آن ترانه ها بر روی
 نوحه های تازه انداخت.

سر خوانی (نوحه خوانی) زنان

سر خوانی زنان به همان نیک نوحه خوانی مردان است اما
 تأثیر پذیری چندانی نداشته و کمبودهای عمده ای در مقایسه با
 سینه زنی مردان دارد. بیشتر نوحه هایی که زنان می خوانند قدیمی
 بوده و درباره فرا رسیدن ماه محرم و لازمه عزاداری در آن ماه به
 حرمت امام حسین و از فغان و ناله حضرت زینب بر سر نش امام
 حسین، تشنه کامی سگینه، بی قراری لیلا از هجر علی اکبر و حجله
 دامادی قاسم، حکایت می کند. چند نمونه از آنها را می آوریم:

همه ای شیعیان با ناله و غم
 زیند بر سر که شد ماه محرم ۱۱

پاران به خدا حرمت این کشته بدارید
 این غریب و زار است

سر نمش حسین زینب به زاری
 بگفتا ای برادر سر نداری

از تاب عطش سگینه گفتا

ای اکبر تاجدار بابا
 رحمی رحمی ۱۲ که تشنه کامی
 ای یوسف گلنار بابا
 در خیمه نگر که قحط آب است
 اصغر ز عطش به بیج و تلب است

لیلا بگفتا، خدا ای شهر یارم
 از هجر اکبر، دیگر بی قرارم
 ترسم نیاید اکبر سوی میدان
 تا کسی سر راه اکبر نشینم
 ترسم بمیرم روی او نبینم
 ترسم نیاید اکبر سوی میدان

حجله عیش ببندید که داماد آمد...

آخ و اوایلا از این عیش و از این دامادی
 صد و اوایلا از این عیش و از این دامادی

۱. فرهنگ فارسی معین، ج ۴.
۲. آبادان، نخستین شهر در استان خوزستان است که
 نوحه خوانی به شیوه مرسوم بوشهری ها و به توسط ناخدا عباس
 در آن جا معمول و هر ساله در حسینیه بوشهری ها برگزار می شده
 است.
۳. منظور از «سینه» همان «سینه زنی» است.
۴. ر.ک: سنگستان، ج ۱ - ص ۷۷.
۵. گفتن متن نخست بستگی به شب یا روز واقعه - شب
 ناسوعا، روز عاشورا - دارد و در ایام دیگر مثل اربعین و غیره بر زبان
 نمی آورند.
۶. نوحه خوان در بیشتر اوقات به جای آن که مطلع نوحه
 مزبور را ذکر نماید با آگاهی به پیش زمینه ذهنی که در «سینه زنی»
 وجود دارد، می گوید: شهیدم به دشت کربلا شد...
۷. متخلص به «مضطرب»، شاعر و نوحه خوان معروفی است
 که در سال های آغازین سینه زنی در بوشهر - نوحه هایش در بیشتر
 نواحی بیرون شهر، مورد استفاده قرار می گرفته است. برای آگاهی
 بیشتر نگاه کنید به: حماسه رئیس علی دلواری سروده منسوب
 به سید محمد مضطرب، ۱۳۲۳ خورشیدی، این مجموعه توسط آقای
 «محمد دافتر» گردآوری شده است.
۸. در نوزدهم مردادماه ۲۵۳۶ - برابر با ۱۳۹۷ هجری قمری.
۹. به دلیل آن که سینه زنی و نوحه خوانی (در شکل اولیه
 خود) سال ها پیش از ظهور ناخدا عباس در بوشهر معمول بوده
 است نمی توان او را به عنوان نخستین نوحه خوان بوشهری قلمداد
 کرد بلکه باید وی را تکامل بخش نوحه سرایی در شکل امروزی
 آن دانست.

۱۰. این مصراع بدین گونه نیز می خوانند: لبالب گشته از
 خونابه غم «باده» دل ها.

۱۱. در روز (یا شب) ۲۸ ماه صفر (شهادت حضرت رسول
 «ص»)، مصراع دوم آن را تغییر داده و می گویند: زیند بر سر که
 شد ماه صفر سر.

۱۲. «رحمی بنما» نیز می گویند.